

## نگاهی به کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان در آستانه

الحاق ایران

محمود جلالی\*

### چکیده

توسعه یک کشور با مشارکت زنان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن کشور ارتباط قوی دارد. کنوانسیون ۱۹۷۹ رفع هرگونه تبعیض علیه زنان سند ثنوین جدیدترین تلاشهای حقوق بین‌الملل برای توسعه وضع زنان در جهان است. تبعیض ریشه در فرهنگها و آداب و رسوم جوامع دارد و یکی از شاخص‌های هر تمدن را مسلماً باید در بیدگاه آن تمدن نسبت به وضعیت زنان دانست. جهت مبارزه با «آپارتاید جنسی» در ترکیب اعضاء کمیته رفع تبعیض علیه زنان، حضور نمایندگان شکل‌های مختلف تمدن و نظامهای حقوقی جهان پیش بینی گردیده است. در این میان، به عنوان کشوری با سابقه تمدنی کهن، الحاق ایران به کنوانسیون مذکور گام حقوقی بزرگی برای زنان خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: حقوق بین‌الملل - حقوق زن - کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان - الحاق ایران - حق شرط (حق تحفظ).

### ۱. مقدمه

اگر چه زنان از قرن‌ها پیش برای بدست آوردن حقوق خود مبارزه می کرده‌اند اما مبارزه برای رعایت حقوق بشر زنان توسط جنبش بین‌المللی آنان مبارزه تازه‌ای است. لذا

یکی از ویژگی‌های حقوق بین الملل در ابتدای قرن بیستم و یکم توسعه چشمگیر آن در زمینه حقوق بشر زن است. از سال ۱۹۴۵، یعنی پایان جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد که وظیفه‌اش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر است، تاکنون وضعیت زنان، موضوع بیش از ۲۰ سند حقوقی بین‌المللی بوده است.<sup>۱</sup> هر یک از این اسناد مبین و منعکس کننده مشکل خاصی در رابطه با موقعیت زن می‌باشد. به عنوان نمونه منشور سازمان ملل متحد بر تساوی حقوق زن و مرد تصریح می‌نماید و تحقق همکزی بین‌المللی از رهگذر گسترش و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا دینی را از اهداف سازمان بر می‌شمارد. مواد ۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارند که تمام افراد بشر آزاد دنیا می‌آیند، از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و از تمام حقوق و آزادیهای ذکر شده در اعلامیه بهره‌مند می‌گردند. بند ۱۵ اعلامیه ۱۹۶۸ کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران صریحاً آپارتاید جنسی را رد می‌کند<sup>۲</sup> و بیان می‌دارد "تبعیضی که زنان همچنان در مناطق مختلف جهان قربانی آن هستند باید از بین برود. منزلت مادون برای زنان قائل شدن، مغایر منشور ملل متحد و نیز موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر است."

موارد نقض مکرر حقوق زنان در جهان و این عقیده که اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلامیه ای اخلاقی و نه حقوقی است باعث گردید اعلامیه رفع تبعیض علیه زن در سال ۱۹۶۷ (آذر ماه ۱۳۵۸) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل برسد (قطعنامه XXXII ۲۳۶۳ مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۷) که بعداً سبب گردید در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای اولین بار کنوانسیون را که در بردارنده حجم گسترده‌ای از مسائل مربوط به نقش و موقعیت زن در جامعه است تحت عنوان کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (کنوانسیون حقوق زنان)،<sup>۳</sup> که اغلب از آن به‌عنوان منشور بین‌المللی حقوق زنان یاد می‌شود، بپذیرد.<sup>۴</sup> همچنین در ماده ۶ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰ قاهره آمده است که "در حیثیت انسانی، زن و مرد برابرند و به همان اندازه که زن وظایفی دارد از حقوق نیز برخوردار است." بخاطر اعمال شکل‌های مختلف خشونت علیه زنان، کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد طی تلاشهای زیادی باعث تصویب قطعنامه ۴۸/۱۰۴ توسط مجمع عمومی در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۳ به‌عنوان اولین سند بین‌المللی که به‌طور خاص مبارزه با

خشونت علیه زنان را هدف قرار می‌دهد گردید.<sup>۱</sup> سرانجام کنفرانس بی‌سابقه زن در پکن در مورد اقدام برای تساوی، توسعه و صلح در سال ۱۹۹۵ اکتیو از جامعه بین‌الملل پیوستن به کنوانسیون ۱۹۷۹ و اجرای آن را درخواست نمود و ۱۸۹ کشور شرکت‌کننده در آن تعهد خود مبنی بر تضمین دسترسی برابر زنان به ساختارهای قدرت و مشارکت کامل آنان در روند تصمیم‌گیری را اعلام نمودند.

اما علی‌رغم روند رو به رشد این اسناد به‌عنوان امواج مختلف فمینیسم،<sup>۲</sup> گزارشات نقض بی‌رویه حقوق زنان در جهان تکان دهنده است. علاوه بر وحشت، خشونت و بربریت خاص ده ساله در افغانستان علیه زنان، نکر نمونه‌هایی از این موارد مبین مشت نمونه خروار است می‌باشد.

اخیراً ۲/۶ میلیون دلار بر اساس پروژه کمک اضطراری صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) به زنان حامله فلسطینی که در اثر فعالیتهای نظامی، مقررات منع رفت و آمد و محدودیت‌های موجود در این زمینه در سرزمینهای اشغالی برقرار شده کمک شد. روزنامه "هندو" چاپ دلهی نو اخیراً گزارش داد که حدود ۲۰۰۰ کودک بین ۴ تا ۱۳ سال از جمله دخترانی که حتی نام شریک زندگی خود را که با او پیوند زناشویی می‌بینند نمی‌دانند به‌طور جمعی ازدواج کردند.<sup>۳</sup> در بنگلادش مطالعه وزارت زنان و امور کودکان نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از زنان زیر سن ۱۵ سال ازدواج می‌کنند و یک چهارم جمعیت این کشور مادرانی هستند که سن آنها زیر ۱۵ سال است. بی شک قربانیان این زجر و شکنجه جنسی دختران معصومند. زنان هنوز در عربستان علی‌رغم تصریب کنوانسیون ۱۹۷۹ توسط این کشور حق رانندگی ندارند و آنگونه که شاهزاده نایف در ۲۶ آوریل ۲۰۰۱ اظهار نمود برداشتن این ممنوعیت جزء سیاستهای دولت نمی‌باشد. تنها در پایان سال ۲۰۰۱ بود که حق داشتن شناسنامه به زنان داده شد. ولی هیچ سازمان حقوق بشری در مورد حقوق زنان در این مملکت وجود ندارد و هیچ زنی عضو مجلس شورای آنها که یک ارکان مشورتی برای قوه مجریه است نمی‌باشد. در کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس مثل کویت، قطر و بحرین وضع بهتر از عربستان نیست. در آفریقا بیشترین غذا توسط زنان تولید می‌شود در حالی که بیشترین زمینها متعلق به مردان است. در آفریقای جنوبی هزاران دختر از نژاد و گروه‌های مختلف اقتصادی قربانیان تجاوز جنسی هستند. در

آسیای جنوب شرقی و اروپا قاچاق زنان و دختران و گرفتن صور قبیح (Pornography) موضوع تجارت عده زیادی از سودجویان است. بیشترین افرادی که در جهان در صف دریافت غذا می‌ایستند زنانند و بر اساس گزارشی در خصوص سهم زنان در آموزش عالی در جهان در حالی که ۷۰ درصد فقیران و ۶۴ درصد بیسوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند فقط ۳۳ درصد زنان نسبت به مردان در آموزش عالی سپیمند. تنها یک دهم نمایندگی مجالس قانونگذاری دنیا به زنان تعلق دارد و کمتر از یک هتم مشاغل مدیریتی دنیا در دست آنان است. در کشورهای در حال توسعه زنان فقط یک ششم مقامات وزارتی را بر عهده دارند. علاوه بر سوء استفاده جنسی در زندانهای آمریکا (گزارش سال ۱۹۹۶ دیده بان حقوق بشر) بنا به گزارش سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۹۹۸ در زندانهای آمریکا علاوه بر شرایط فیزیکی سخت، عملیات امنیتی شدید واحدهای امنیتی باعث نقض استانداردهای زندگی خصوصی زنان گردیده است به نحوی که در تمام لحظات زنان زندانی که تعدادشان بیش از ۱۴۸۰۰۰ می‌باشد تحت مشاهده نگهبانان مرد هستند.

بالاخره در ایران در حالی که بر اساس آخرین سرشماری سال ۱۳۷۵ زنان ۴۹/۲ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند فقط ۱۹/۴ درصد اعضای هیأت علمی دانشگاهها را آنان در دست دارند و از مجموع حدود ۳۰۰ نماینده فقط ۱۲ نماینده زن برای اولین بار در مجلس قانونگذاری، حضور دارند.

خانم مرئی رابینسون کیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد اخیراً از ایران تقاضا نمود نسبت به تصویب کنوانسیون ۱۹۷۹ اقدام نماید. کنوانسیون که عمر آن اکنون به اندازه عمر انقلاب اسلامی ایران است مراحل تأیید خود در بیات دولت جمهوری اسلامی ایران را طی نموده و طی لایحه‌ای در پایان آذرماه ۱۳۸۰ به مجلس شورای اسلامی ارسال گردیده است. بر اساس اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی برای لازم الاجرا شدن نسبت به ایران باید مراحل تصویب در مراجع ذیصلاح از جمله مجلس شورای اسلامی را طی نماید. این در حالی است که موج مخالفت شدیدی علیه تصمیم قوه مجریه در بین پاره‌ای از فقها به‌عنوان مانع بزرگی برای تصویب تلقی می‌گردد. این مقاله به همین بهانه بر آن است تا با نگاهی تازه به مفاد کنوانسیون مذکور و در آستانه تصویب آن در قوه مقننه، تجزیه و تحلیل حقوقی خود را از دیدگاه حقوق بین‌الملل جهت آشنایی مردم،

نمایندگان آنان و علاقمندان به موضوعات مربوط به حقوق بشر ارائه نماید. یکی از اهداف نویسنده در انتخاب این موضوع ترسیم نمودن موانعی است که در برابر تصویب و اجرای کنوانسیون حقوق زن در ایران وجود دارد. در ابتدا نگاهی تاریخی نسبت به حقوق بین‌الملل زن ضروری می‌نماید.

## ۲. تاریخ تحول اسناد بین‌المللی در مورد حقوق زن

در مطالعه تاریخ توسعه حقوق بین‌الملل زن سه دوره متمایز وجود دارد که هر یک منعکس کننده تصورات مختلف در مورد زنان و دیدگاه‌های مختلف در مورد حقوق و جایگاه آنان در جامعه است.<sup>۱۱</sup>

دوره اول که از آن تحت عنوان دوره حمایتی (*Protection*) یاد می‌شود و در آن از زنان به عنوان گروهی که نباید یا نمی‌توانند به فعالیت‌های خاصی بپردازند یاد می‌شود و زن به‌عنوان پیرو در نظر گرفته می‌شود. مقررات در این خصوص فقط در مورد زنان قابل اعمال است نه مردان. زن به‌عنوان همسر و مادر بیشتر نقش داخلی و سنتی دارد. بنابراین از آنجا که زنان مانند کودکان قادر به حمایت همه‌جانبه از خود نیستند نانون باید نقش حمایتی از آنان را داشته باشد.<sup>۱۲</sup> لذا همانطور که دیده می‌شود اسناد این دوره جهت حمایت زن در برابر برخی آسیب‌ها او را از پاره‌ای امر منع می‌کند نه اینکه نوعی از حقوق را برایش به رسمیت بشناسد.

در دوره دوم به زن به‌عنوان یک گروه مجزا (*Separate*) که نیاز به رفتار خاص با او و مراقبت ویژه از او دارد نگاه می‌شود. عقیده بر این است که در موارد خاصی با زنان عادلانه رفتار نمی‌شود، لذا از این دوره به‌عنوان «دوره اصلاح» یاد می‌شود به این معنی که قوانین باید در جهت مراقبت خاص از زنان تغییر و یا اصلاح گردد. در این دوره نیز قوانین به زنان به‌عنوان یک طبقه بدون در نظر گرفتن مردان نگاه می‌کنند. زیرا مردان به‌عنوان قربانیان محسوب نمی‌گردند. به‌عنوان مثال قربانیان فاحشه‌گری نه مردان بلکه زنان هستند. همچنین است از دست دادن تابعیت بخاطر ازدواج که مخصوص زنان است.<sup>۱۳</sup>

دوره سوم دوره عدم تبعیض (*Non-Discrimination*) است. به این معنا که از نظر جنسی به زن و مرد بی‌طرفانه نگاه می‌شود. نرم‌های این دوره دیدگاهی را که زن را



به عنوان گروهی مجزا از مردان فرض می‌کند رد می‌نماید و معتقد به رفتار مساوی نسبت به زن و مرد است. البته اسناد بین‌المللی که مبین این دیدگاه هستند برخی از موضوعات را خاص زنان می‌دانند ولی تبعیض جنسی یا رفتار براساس استانداردهای مختلف بر پایه جنس را صریحاً رد می‌کنند. مثال بارز این نوع اسناد منشور سازمان ملل متحد است که به صراحت در مواد ۵۵ و ۵۶ بر این امر تأکید و در مواد ۱۲، ۱۳ و ۶۲ و ۷۱ نهادهای مختلفی از جمله شورای اقتصادی و اجتماعی را جهت وصول به این اهداف بوجود می‌آورد. همچنین اغلب مواد کنوانسیون ۱۹۷۹ رفع کلیه تبعیضات علیه زنان با تأیید دوره سوم جایگزین دو دیدگاه قبلی گردیده‌اند. مثلاً قاچاق زنان و استثمار آنان به عنوان فاحشه در ماده ۶ کنوانسیون نهی گردیده است. همچنین ماده ۹ کنوانسیون متعهدین را موظف به رفتار مساوی زن و مرد از نظر اکتساب و تغییر تابعیت کرده است. در بسیاری از معاهدات و اسناد بین‌المللی دیگر نیز دیدگاه عدم تبعیض دیده می‌شود. برای مثال اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین<sup>۱۱</sup> همگی بر این امر تأکید دارند. البته باید یادآور شد که کنوانسیون ۱۹۷۹ صریحتر و مفصل‌تر از سایر اسناد دیدگاه عدم تبعیض را پذیرفته است. این مطلب به‌طور خاص در مواد ۱، ۲، ۳، ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۶ دیده می‌شود.

به‌طور خلاصه باید گفت در حالی‌که اصولاً نگرانی اساسی در ابتدای قرن بیستم در مورد اموری چون خرید و فروش، اجیر کردن و خود فروشی زنان بود امروزه، گرچه هنوز جامعه جهانی موفق به رفع کامل آنها نشده، نابرابری حقوق زن و مرد در مسائلی چون انتخاب جنین پیش از زایمان به سود نوزاد مذکر، ناقص کردن عضو جنسی مؤنث (*Female Circumcision*)، مسافرت به خارج از کشور متبوع، طلاق، حق دوچرخه سواری، حق رانندگی، فلسفه بازگذاشتن دست مردان در صیغه کردن هر چند زن در یک زمان در کنار همسر دائم خود و شرکت در انتخابات، نیز نمایان شده و موضوعات اصافه شده به بحث محافل حقوقی گشته اند. البته پاره ای از نگرانی‌های مورد اشاره به کشورهای خاصی اختصاص داشته و دغدغه خاطر بین‌المللی محسوب نمی‌گردند.

### ۱۳. مفاد کنوانسیون ۱۹۷۹ (CEDAW)

مقدمه و ۳۰ ماده کنوانسیون موصوف که یکی از دهها سند بین‌المللی در مورد حقوق زن و اعمال تبعیضات مختلف ناروا علیه اوست در راستای اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین بر حقوق اساسی بشر و مقام و منزلت هر فرد انسانی صرفنظر از جنس تأکیدی نموده و برابری حقوق زن و مرد را بر زندگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به رسمیت شناخته و تنها راه تشکیل نظام مترقی بین‌المللی را بر اساس مساوات و عدالت در استیفاء حقوق بین مردان و زنان می‌داند. به‌طور کلی باید گفت کنوانسیون انسان را به عنوان انسان صرفنظر از جنس دارای حقوق می‌شناسد.<sup>۱۵</sup> پاره ای از اصول و حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون بین المللی عبارتند از:

- برابری حقوق زن و مرد در کلیه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
- جایز نبودن تبعیض علیه زنان در کلیه اشکال و توسط هر فرد، سازمان یا شرکت
- تقسیم مسئولیت بین زن و مرد و جامعه به طور کلی در تربیت کودکان
- فسخ مقررات کیفری در بردارنده تبعیضات علیه زنان
- انجام اقدامات لازم جهت حمایت از زنان باردار و مادران
- از میان برداشتن تعصبات، سنتها و روشهای مبتنی بر طرز فکر پست نگری و یا برتری نگری جنسیت و یا نقش های کلیشه ای برای مردان و زنان
- جلوگیری از سوء استفاده از زنان و استثمار آنان
- اعطای حق شرکت به زنان در کلیه انتخابات و همه بررسی های عمومی در تمام ارگانهای منتخب مردمی
- آزادی انتخاب حرفه و شغل و رفع تبعیض شغلی علیه زنان و برقراری امنیت شغلی و آزادی انتخاب محل اقامت و سکونت
- ایجاد امکانات و شرایط مساوی یا مردان در زمینه شغلی و حرفه ای و در جهت اخذ مدرک تحصیلی از مؤسسات آموزشی در کلیه رشته ها و امکانات استفاده از بورسها و سایر مزایای تحصیلی مشابه
- ایجاد امکانات مشابه برای شرکت فعال زنان در امور ورزشی و تربیت بدنی

- حق زنان در استفاده از بیمه های اجتماعی مختلف از جمله بازنشستگی، بیکاری، بیماری و دوران پیری
- رعایت اصول بهداشتی برای حفظ سلامتی زنان خصوصاً در دوران بارداری و در محیط کار
- تغذیه مناسب زنان و انجام خدمات رایگان در دوران بارداری و دوران شیردهی نسبت به آنان
- توجه به رفاه اقتصادی زنان و تسهیل دسترسی آنان به وانها و اعتبارات مختلف و تکنولوژی مناسب خصوصاً در مورد زنان روستائی
- تساری زنان با مردان در اهلیت قانونی، انعقاد قرارداد، اداره املاک و شرکت در مراحل مختلف دادرسی در دادگاهها و محاکم
- برخورداری زنان و مردان از حقوق مساوی و یکسان در مورد انتخاب آزادانه همسر و حقوق و تعهدات مشابه در طی دوران زناشویی و پس از جدایی، و تصمیم گیری نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری، قومیت، حضانت، سرپرستی و فرزندخواندگی
- تشکیل کمیته رفع تبعیضات علیه زنان<sup>۱۱</sup> جهت اجرای مفاد این کنوانسیون از میان کارشناسان دارای صلاحیت که نمایندگی اشکال مختلف تمدن و نظامهای حقوقی جهان را داشته باشند.<sup>۱۷</sup>
- قبل از تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان اسناد معتبر بین المللی دیگری در جهت تساری حقوق زن و مرد وجود داشت ولی جهت تأکید، تضمین و رعایت بیشتر و بهتر حقوق زن، کنوانسیون جدید به عنوان اولین سند جهانی منع کلیه تبعیضات با روشهای مؤثرتر حمایتی و اجرایی به تصویب رسید. جالب توجه است که از مجموع ۵۶ کشور اسلامی تا ابتدای سال ۲۰۰۱ تعداد ۳۷ کشور از جمله مصر، اندونزی، عراق، لیبی، اردن، بنگلادش و نیجریه کنوانسیون مذکور را تصویب نموده بودند.
- ۴. فواید های موجود در کنوانسیون ۱۹۷۹**
- با اینکه هم اکنون با پیوستن بحرین در ژوئن ۲۰۰۲ تعداد ۱۷۰ کشور جهان یعنی ۹۰٪ اعضای سازمان ملل متحد عضو کنوانسیون هستند در مقایسه با کنوانسیونهای دیگر راجع



به حقوق بشر، این کنوانسیون از ضمانت اجراهای ضعیف‌تری برخوردار است. صرفه از تعداد بسیار زیاد شروط وارد شده توسط دولت‌ها که به نوبه خود به ضعف کنوانسیون دامن زده است، سه دلیل عمده تا کنون سبب عدم موفقیت آرمانهای کنوانسیون بوده است: اول ضعف در سیستم نظارتی کنوانسیون؛ دوم مکانیسم‌های اجرایی ناکافی و سوم مشکلات ناشی از نحوه تنظیم متن کنوانسیون که بیشتر به منظور جلب تعداد زیادتری از کشورها تنظیم گردیده است. به نظر نگارنده جهت اجرای مؤثرتر کنوانسیون راه‌های ذیل باید دنبال گردد: با توجه به وظایف سنگین پیش‌بینی شده در ماده ۲۱ برای کمیته رفع تبعیضات علیه زنان، به نظر می‌رسد ماده ۲۰ که مقرر می‌دارد این کمیته به‌طور عادی در سال بیش از دو هفته جلسه رسیدگی برای بررسی گزارشهای رسیده بر اساس ماده ۸ نخواهد داشت مشکل ساز است. طراحان ماده از دید اقتصادی جهت جلوگیری از هزیند بیشتر این محدودیت را گذاشته اند در حالی که فی‌الواقع وقت زیادتری جهت بررسی وضعیت حقوق زنان و گزارش به مجمع عمومی نیاز است. شاید بتوان این محدودیت را از طریق تفسیر موسع کلمه "عادی" از بین برد تا کمیته با جلسات فوق‌العاده خود وظایف خویش را نسبت به منع تبعیض جنسی بهتر و سریعتر انجام دهد.<sup>۱۸</sup> همچنین این کمیته منابع کافی برای انجام وظایف خطیر خود را در اختیار ندارد. دبیرخانه مستقل، آژانسهای تخصصی، و منابع مالی بیشتر نقش مؤثری در اجرای وظایف کمیته بر اساس کنوانسیون خواهد داشت. در سیستم سازمان ملل متحد کمیسیون حقوق بشر در مقایسه با کمیته موصوف از قدرت بالاتری در استماع و تعقیب موارد نقض حقوق بشر برخوردار است، از تعداد پرسنل و بودجه بیشتری بهره‌مند بوده و مکانیسم‌های بهتری برای اجرای تصمیماتش وجود دارد.

مشکل دوم این است که گرچه در سالهای اخیر وضعیت بهتر شده است ولی هنوز برنامه حمایت از حقوق زن نسبت به سایر مراکز حمایت از حقوق بشر در سازمان ملل متحد در حالت انزوا قرار دارد. این شاید به دلیل وضعیت جغرافیایی محل فعالیت کمیته باشد. ژنو به‌عنوان پایگاه اصلی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و حقوق بشر به‌طور کلی است در حالی که کمیته رفع تبعیض در وین مستقر است و پاره‌ای از جلسات خود را در آمریکا تشکیل می‌دهد. تغییر محل جغرافیایی نیز می‌تواند تا حدودی مسئله

تبعیض جنسی و مبارزه با آن را به مرکز برنامه‌های سازمان ملل بیاورد و زمینه همکاریهای بیشتر کمیته را با کمیسیون حقوق بشر فراهم سازد.

در حالی که این کنوانسیون مسائلی چون عدم تبعیض جنسی را مورد بررسی قرار می‌دهد یکی از نواقص آن این است که هیچ‌کجا بصورت مستقیم به خشونت علیه زنان نمی‌پردازد. همچنین این سند نیز مانند خیلی دیگر از اسناد بین‌المللی از محدودیت‌های مربوط به ضعف در ضمانت اجرا رنج می‌برد.

یکی دیگر از مشکلات کنوانسیون این است که کشورها یا گزارش‌های خود در مورد تعهدات ناشی از آن را به کمیته مذکور در ماده ۱۷ ارسال نمی‌کنند و یا با تأخیر این کار صورت می‌گیرد. آن کشورهایی هم که گزارش می‌دهند یا گزارشاتشان کامل نیستند و یا به نحوی گزارش می‌دهند که واقعی نیست، با این حال کمیته فقط می‌تواند پس از بررسی گزارشها توصیه و یا پیشنهاد ارائه دهد.

مشکل دیگر کنوانسیون همانطور که در ابتدای این بند اشاره شد شرطهای زیادی است که توسط کشورها وارد شده است. این علی‌رغم این واقعیت است که بسیاری از شروط با هدف و منظور کنوانسیون در تعارضند و لذا بر اساس رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری ارزش حقوقی ندارند.

همچنین بر خلاف ماده ۱۱ کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، ماده ۴۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۱ کنوانسیون منع شکنجه که در آنها مکانیسم شکایت دولتها بر علیه یکدیگر پیش بینی گردیده، در این کنوانسیون امکان طرح شکایت از طرف یک دولت بر علیه دولت دیگر به دلیل تبعیض جنسی به‌طور مستقل و بدون در نظر گرفتن تابعیت قربانی نقض حقوق، وجود ندارد. به این معنی که فقط در صورتی که قربانی نقض تبعه کشور عضوی باشد آن عضو میتواند به حمایت از او ذینفع تلقی و شکایت بین دولتی مطرح سازد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد مفهوم تعهدات عام الشمول (*Erga Omnes*) در کنوانسیون صراحتاً به رسمیت شناخته نشده است. باید یادآور شد که اگر چه عدم پیش بینی سیستم شکایات بین دولتی (*Inter-State*) و عدم شناسایی صریح قاعده *Erga Omnes* به خودی خود نقص نمی‌باشد ولی نفع تصریح به آنها برای جامعه بین‌المللی غیر قابل انکار است. نباید فراموش کرد که بند یک ماده ۲۱ کنوانسیون اشاره می‌نماید که کمیته رفع

تبعیض علیه زنان از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، گزارشات و اطلاعات ارسالی از طرف دولتهای عضو کنوانسیون را مورد بررسی قرار داده و نظرات آنها را در گزارش سالانه خود به مجمع عمومی سازمان ملل قید خواهد نمود. با این عبارات به طور ضمنی شکل ضعیفی از شکایت بین دولتی پذیرفته شده است.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که ضعف اساسی دیگر در کنوانسیون این بود که برخلاف میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در پروتکل اختیاری آن و برخلاف کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی (ماده ۱۴) و کنوانسیون منع شکنجه (ماده ۲۲) که به افراد اجازه طرح دعوا علیه دولت داده شده است چنین امری در زمینه حمایت از عدم تبعیض جنسی وجود نداشت. لذا تصویب یک پروتکل اختیاری و برقراری سیستمی که به افراد نیز مجوز اقامه دعوی علیه دولت خود را بدهد کمک شایانی به اجرای مفاد کنوانسیون می‌نمود. این خلاء حقوقی با تصویب قطعنامه شماره A/54/4 مورخ ۶ اکتبر ۱۹۹۹ که از تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۰ لازم الاجرا شده است مرتفع گردید.<sup>۱۱</sup>

بالاخره سؤال مهمی که باید پاسخ داده شود این است که اگر تمایز بین زن و مرد به شکل مثبت یعنی به صورت اعطای حقی خاص به زنان به منظور ارتقای وضعیت آنها باشد آیا این خود تبعیض محسوب می‌گردد یا نه؟ به عبارت دیگر آیا منظور از تبعیض، مطلق تبعیض است یا فقط تبعیض علیه زن؟ این امر به این جهت مهم است که حقوق مردان نیز در بسیاری از کشورهای جهان نقض می‌گردد ولی باید بیاد داشت که نقض حقوق آنان بخاطر جنس آنها نیست در حالی که نقض حقوق زنان، در میان دلایلی چون تعلق به قوم یا اقلیتی خاص، بخاطر جنسیت (Gender) آنان است. در کنوانسیون صریحاً تفاوتی بین "تبعیض مثبت" و "تبعیض منفی" صورت نگرفته است. با این حال ماده ۱ آن اتخاذ تدابیر موقتی خاص توسط دولتهای عضو را که به منظور تسریع در برقراری تساوی حقوق زن و مرد صورت می‌گیرد، تبعیض مورد نظر کنوانسیون نمی‌داند اما تصریح می‌کند که تدابیر مذکور نباید به هیچ وجه سبب ایجاد استانداردهای نابرابر و جداگانه شده و هنگامیکه اهداف مربوط به ایجاد فرصت و رفتار مساوی تحصیل گردید این تدابیر موقتی نباید دیگر ادامه یابند.

## ۵. ایران و کنوانسیون CEDAW<sup>۲۰</sup>

از دیرباز حرکت‌های آزادیخواهانه‌ای در میان زنان ایرانی وجود داشته است.<sup>۲۱</sup> زمانی که یونانیان زن را حیوان گیسو دراز می خواندند شخصیت‌های برجسته‌ای در میان زنان ایرانی وجود داشتند. در زمان حکومت قاجار در ایران نسبت به قبل از آن زنان تا حدودی موفق به تحصیل اهداف ملی خود شدند. تشکیل مدارس برای زنان و انتشار روزنامه‌ها و مجلات برای آنان از اولین گام‌ها محسوب می‌گردد. پس از انقلاب مشروطه حقوق زنان توسعه یافت. در قانون حمایت خانواده قبل از انقلاب اسلامی تعدد زوجات و حق انحصاری مرد در طلاق لغو گردید و قوانینی که حکومت مرد بر زن را در اشتغال و مسافرت به رسمیت شناخته بود اجرا نمی‌گردید. علی‌رغم این مسئله حقوق و برابری زن و مرد هرگز جزء اصلی اهداف جنبش‌های متعدد در ایران نبوده است.

اکنون علاوه بر بند ۱۴ اصل سوم، اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت را موظف نموده است تا حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او، حمایت از مادران، ایجاد دادگاه صالح خانواده و غیره را انجام دهد. آنچه در این اصل نکته کلیدی است عبارت "موازین اسلامی" است که تأییدی بر اصل ۴ قانون اساسی است. در این راستا از جمله تعارضات مقام زن در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران "ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که مقرر می‌دارد هر زن و مرد بالغی حق دارد بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند. بعلاوه کنوانسیون "برابری" را مترادف "مسارات و نشابه" بکار برده است و به نظر می‌رسد در حقوق اسلام این مفهوم برابری بین دو جنس وجود نداشته باشد.<sup>۲۲</sup> کنوانسیون برابری دو جنس ولی حقوق اسلام ارزش برابر دو جنس را به رسمیت می‌شناسد.

ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۷۹ مقرر می‌نماید که دول عضو متعهدند کلیه اقدامات لازم در سطح داخلی را که هدف از آن تحقق کامل حقوق زن است و در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده، به عمل آورند. از جمله اقداماتی که هر عضو متعهد به انجام آن است می‌توان از گنجانیدن اصل عدم تبعیض بین زن و مرد در قانون اساسی و قوانین دیگر، ایجاد مکانیسم قوی ضمانت اجرای کنوانسیون از قبیل ایجاد دادگاه‌های صالح برای جلوگیری از

نقض حقوق زنان، تغییر، اصلاح و لغو قوانین و مقررات تبعیض آمیز علیه زنان و تقدیم گزارش بر اساس ماده ۱۸ کنوانسیون به کمیته رفع تبعیض علیه زنان نام برد.

مجلس ششم و دولت جدید اقدامات نسبتاً خوبی را در جهت انطباق قوانین کشور با استانداردهای بین‌المللی شروع نموده است. به‌عنوان مثال در یک حرکت سمبولیک مجلس شورای اسلامی سال گذشته مصوبه‌ای را گذراند که ضمن لغو قانون اعزام دانشجویی سال ۱۳۶۴ بر اساس آن زنان مجرد بتوانند با استفاده از بورس در خارج از کشور تحصیل کنند. به‌علاوه از جمله اقدامات اصلاحی می‌توان از طرحها و لوایح در دست بررسی مجلس نام برد: طرح اصلاح مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۱۰ قانون مدنی در مورد نفقه، ماده ۱۱۲۳ درباره تغییر اختیار مطلق طلاق توسط مرد، ماده ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ در مورد حضانت و نگهداری کودک و مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۶ در خصوص قیمومت یا طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ در مورد عسر و حرج زوجه؛ طرح اصلاح تبصره ماده ۶۰۴۱ در مورد تعیین حداقل سن برای ازدواج دختران؛ طرح الحاق یک تبصره به ماده ۹۴۸ در بحث حیات زوجه؛ طرح اصلاح موادی از آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در خصوص تشکیل کمیسیون خاص خانواده، زنان و جوانان یا طرح حمایت از کودکان و نوجوانان در راستای تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ توسط ایران؛ و طرح نحوه اهداء جثین به زوجین نابارور از جمله اقدامات قوه قانونگذاری کشور به شمار می‌روند.

با این حال قبل از پیوستن ایران باید موضع خود در مورد زنان را نسبت به ممنوعیت از اشتغال به قضاوت، تصدی ولایت و حکومت، اشتغال در نیروهای مسلح، محدودیت شغلی زن شوهردار، ارث، ارزش شهادت، سن ازدواج،<sup>۱۱</sup> محدودیت در انتخاب همسر (لزوم اجازه ولسی برای ازدواج دختر باکره و ازدواج با مرد غیر مسلمان، وضعیت متفاوت زن و مرد نسبت به تعدد زوجات و نسبت به انحلال نکاح (ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی)، مجازات زن به وسیله شوهر (ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی)، و تفاوت بیه زن و مرد (ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی) که با تعهدات مندرج در این کنوانسیون در تعارض آشکار است، مشخص نماید.

در میان ایرادات زیادی که نسبت به قوانین حاکم بر زنان در ایران وارد می‌شود، منتقدین معتقدند بر اساس ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی در نحوه مجازات سنگسار بین



مرد و زن تبعیض است زیرا زن تا گردن در حالی که مرد تا سینه زیر خاک قرار می‌گیرند. چون پیش بینی شده است که در صورت فرار شخص مورد نظر دیگر مجازات نمی‌شود بدیهی است مرد امکان فرارش بیشتر است. همچنین بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی سن ازدواج برای دختر ۹ سال و با اجازه ولی، صغیره می‌تواند در پانزده سالگی از این سن نیز به عقد دیگری در آید. بنابراین این با در نظر گرفتن ماده مربوط به زنا اگر دختر ۹ ساله‌ای که شوهردار بوده مرتکب زنا کرده باید سنگسار گردد. باید یادآور شد که اخیراً با تصویب مجمع تشخیص مصلحت این سن به ۱۳ افزایش پیدا کرده است. بالاخره از دیگر انتقادات منتقدین این است که چرا قانون اساسی اجازه رئیس جمهور شدن را به زنان نمی‌دهد؟

لذا با توجه به قصد ایران در پیوستن به کنوانسیون به نظر می‌رسد این کشور باید تغییرات و اصلاحات متعددی را جهت انطباق حقوق داخلی با مفاد کنوانسیون انجام دهد. از جمله اینکه: الف) قوانین خاص جهت جلوگیری از تبعیض علیه زنان به تصویب برساند. ب) هیأتی مرکب از متخصصین حقوقی را جهت بررسی قوانین تبعیض آمیز موجود بگمارد تا به طور شفاف مواردی که کنوانسیون به دلیل مغایرت با اسلام در ایران قابلیت اجرا ندارد مشخص نمایند. مثلاً اینکه زنان در ایران دو چرخه سواری نمی‌کنند آیا به دلیل خلاف شرع بودن است یا عرف سنتی مردم هنوز این امر را تأیید نکرده است؟ ج) با توجه به اینکه بسیاری از تبعیضات علیه زنان در خانه صورت می‌گیرد و بصورت خصوصی است و به همین دلیل اثبات آنها با توجه به قوانین فعلی حاکم بر ادله اثبات دعوی در کشور برای زنان غیر ممکن و یا بسیار مشکل است، باید شرایطی را فراهم نمود که بخش عمده اثبات عدم انجام تبعیض بر دوش مردان باشد. د) ایجاد مرکز اطلاع رسانی و مشاوره حقوقی برای زنان جهت بالا بردن سطح آگاهی آنان نسبت به حقوق خود. ح) ضمانت اجرای قوی جهت مجازات تبعیض گران از قبیل پلیس مؤثر و تشکیل محاکم قوی. و) ایجاد نظام سهمیه بندی در مورد مشارکت زنان در ساختار قدرت و تصمیم گیریهای کشور آن گونه که در کشورهای چون بلژیک و فرانسه وجود دارد. در بلژیک زنان باید ۳۲/۳ درصد و در فرانسه ۵۰٪ از فهرست اسامی نامزدهای احزاب برای انتخاب مجالس ملی و سنا، شهرداریها و پارلمان اروپا را تشکیل دهند. ز) و بالاخره یکی دیگر از اقدامات مهمی که در جهت حل مسائل و مشکلات زنان باید مورد توجه جدی قرار گیرد، نحوه نگاه قوانین ایران

به بیش از صد سازمان غیر دولتی زنان است که هم اکنون در کشور فعالیت می نمایند. بها دادن به فعالیت این سازمانها کام مؤثری در توسعه حقوق آنان محسوب می گردد.

#### ۴. لایحه الحاق ایران به کنوانسیون CEDAW

در مقدمه لایحه تقدیمی دولت به مجلس آمده است که با توجه به لازم الاجرا شدن کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از شهریور ماه ۱۳۶۰ شمسی و نیز الحاق اکثر دولتهای جهان بویژه کشورهای اسلامی به آن و نظر به آثار مثبت ناشی از الحاق مشروط جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور مشتمل بر لحاظ ارزشهای اسلامی و منافع ملی؛ برقراری نقش فعال و مؤثر برای کشور در مجامع و نهادهای بین‌المللی ذی ربط؛ بسترسازی فرهنگی، حقوقی - سیاسی برای بهره‌مندی کشور از ظرفیت‌های مقرر در کنوانسیون در راستای تقویت نقش بانوان مسلمان و تبیین مناسب از وضعیت زنان در اسلام و ایران؛ جلوگیری یا کاهش پیامدهای منفی از جمله تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ناشی از عدم الحاق برای کشور؛ زمینه سازی برای بروز وحدت نظر مراجع ذی صلاح و مؤثر در تصمیم گیری مربوط به الحاق دولت به این کنوانسیون و به منظور برخورداری کشور از مزایای الحاق به کنوانسیون، لایحه زیر طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود:

ماده واحده: به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به "کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان" به شرح پیوست منوط به برقراری تحفظات و شروط زیر ملحق گردد و اسناد مربوط را تودیع و تسلیم نماید: الف) جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون مذکور را در مواردی که با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد قابل اجرا می‌داند؛ ب) جمهوری اسلامی ایران خود را مؤلف به اجرای بند (۱) ماده (۲۹) این کنوانسیون در خصوص حل و فصل اختلافات از طریق داوری یا ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌داند. ماده واحده فوق از طرف دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد.

لایحه الحاق، مورخ ۸۰/۱۱/۲۳ در کمیسیون فرهنگی به عنوان کمیسیون اصلی پس از بحث و بررسی به تصویب رسید اما به دلیل برخی شبهه‌های وارده از طرف علما و مخالفان، بررسی این لایحه در مجلس به تعویق افتاد.

## ۷. نظرات مختلف در مورد الحاق ایران به کنوانسیون CEDAW

به طور کلی در ایران طیف های مختلف فکری و سیاسی از مخالفان جدی تا موافقان مطلق و بی قید و شرط الحاق را می توان مشاهده کرد. مخالفان، روح کلی حاکم بر این کنوانسیون را با روح کلی حاکم بر قوانین و موازین شرع مقدس اسلام مغایر می دانند و الحاق را که با هدف رفع تبعیض صورت می گیرد به معنای رفع قوانین اسلامی دانسته و آن را مایه نلت و خواری نظام اسلامی تلقی می نمایند و با اذغان به دردآور بودن این امر اولین قربانی را جسم خسته و روح تسخیرشدنی زن می دانند.<sup>۲۵</sup> مخالفان الحاق به کنوانسیون معتقدند که الگوی متعالی در دفاع از شخصیت و حقوق زنان، الگوی متناسب محصور است که ضمن پافشاری بر برابری زن و مرد در انسانیت، حقوق و فرصت ها را متناسب با کارآمدی و نقش هر یک از دو جنس تنظیم و برنامه ریزی اجتماعی را بر اساس اعتنا به این نقش ها ارائه می کند. مخالفان الحاق حتی الحاق مشروط را زمینه ای برای الحاق مطلق می دانند و به مسئله و پیامدهای منفی جهانی سازی اشاره می کنند.

از سوی دیگر برخی الحاق مشروط به این کنوانسیون را موجب اعتبار نظام دانسته و معتقدند که رفع تبعیض علیه زنان به منزله نقض قوانین اسلامی نیست و پیوستن به این کنوانسیون یک قدم مثبت برای یافتن فرصت بیشتر و بهتر در جهت طرح دیدگاه ها است و عدم الحاق این تعبیر را در پی خواهد داشت که نظام اسلامی قائل به تبعیض بین زن و مرد است و کاهش بار سنگین انتقادات و بهانه جوئی ها علیه ایران و رفع اتهام نقض حقوق بشر از فواید پیوستن به این کنوانسیون می باشد و در این میان عده ای نیز معتقدند که این امر بیش تر از ریشه اقتصادی برخوردار است و برای اثبات ادعای خود به رد تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی برای نهمین بار به دلیل نپذیرفتن مقررات جهانی کپی رایت و به رسمیت نشناختن موازین حقوق بشر به خصوص در مورد زنان استناد می کنند. همچنین حفظ اعتماد اتحادیه اروپا و از دست ندادن حمایت های آن اتحادیه در برابر تهدیدات آمریکا از دلایل سیاسی و مصلحت بینی های پشت پرده ذکر شده است.

بعضی دیگر این شکل از الحاق را که توسط دولت به صورت رزرو و شرط عام "عدم مغایرت با شرع مقدس اسلام" پیشنهاد شده است، کلی و مبهم و غیر قابل قبول چه از نظر داخلی و چه از نظر بین المللی قلمداد کرده و آن را فاقد اثر لازم توصیف می‌نمایند.<sup>۲۱</sup>

مخالفین الحاق ایران به کنوانسیون تاکنون حداقل در خارج کردن لایحه از دستور کار جلسه علنی، موفق بوده‌اند. عده‌ای از نمایندگان جناح اقلیت مجلس با مراجعه به برخی از آیات عظام، نظر آنها را در مورد اعلام غیر شرعی بودن پیوستن ایران به این کنوانسیون تحصیل نمود،<sup>۲۲</sup> روزنامه رسالت در تاریخ ۶۹ اردیبهشت نامه منیره نوبخت، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به آیت الله صافی را چاپ کرد که نظر وی را درباره الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان جویا شده بود. نوبخت پیش از این گفته بود این لایحه دارای اشکالات اساسی است و حتی موافقان پیوستن کشورمان به کنوانسیون بر این باورند که طرح اشکالات حقوقی و شرعی زیادی دارد، اما سی‌گریسند پس از الحاق می‌توانیم حرفه‌ایمان را درباره آن یزئیم و الحاق به کنوانسیون فرصت حضور در عرصه بین‌المللی را به ما می‌دهد، به عقیده وی "صحبت ما این است که نزیسیون برای گلن حرفه‌ایمان زیاد است. آیا تنها راه ابراز حضور الحاق به کنوانسیون است؟"

عدم پذیرش کنوانسیون توسط ایران در حالی که اصل عدم تبعیض در ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده و اکنون قسمتی از حقوق بین‌الملل عرفی است ماهیتاً تأثیری نخواهد داشت. به علاوه گرچه ایران عضو معاهده حقوق معاهدات ۱۹۶۹ نیست ولی به نظر می‌رسد این کنوانسیون به طور کلی و بخش مربوط به حق شرط (*Reservation*) به طور خاص، تدوین حقوق بین‌الملل عرفی بوده و لذا نسبت به همه کشورها لازم الاجرا است. بنابراین مفاد لایحه پیشنهادی دولت در مورد شروطی از قبیل این که ایران در صورتی که مفاد کنوانسیون مذکور با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد قابل اجرا می‌داند، از دیدگاه حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته نمی‌شود. زیرا به راحتی می‌توان به کلیه کنوانسیون‌های بین‌المللی همانگونه که در مورد کنوانسیون حقوق کودک چنین شد با اعمال شرط "عدم مغایرت با موازین شرع مقدس اسلام" پیوست ولی این راه حل کلی، مبهم و عملاً بدون کاربرد بین‌المللی است.

از مطالب فوق می‌توان دریافت که راه‌هایی که ایران در پیش دارد می‌تواند یکی از موارد ذیل باشد: ۱- عدم پیوستن به کنوانسیون ۲- الحاق بدون قید و شرط ۳- الحاق با گنجاندن شرط یا شروط. به نظر می‌رسد راه حل سوم که مورد نظر لایحه دولت نیز می‌باشد در شرایط فعلی کشور از جایگاه قوی‌تری برخوردار است.

### ۸. جایگاه قانونی الحاق ایران با اعمال شرط یا شروط

صرفنظر از عملکرد کشورهای آمریکایی، تا قبل از جنگ جهانی اول اصولاً اگر دولتی مایل به استفاده از حق شرط در معاهده ای بود باید مورد موافقت کلیه کشورهای عضو آن معاهده قرار گیرد. لذا اگر شرط مورد موافقت همه نبود کشوری که تمایل داشت از شرط استفاده کند یا باید اصلاً ملحق نمی‌شد و یا اگر می‌خواست ملحق شود شرطی وارد نکند. این امر مورد اختلاف بود تا اینکه در سال ۱۹۵۰ در مورد کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی شدیدتر گردید و مجمع عمومی ناگزیر از دیوان بین‌المللی دادگستری نظر مشورتی خواست.<sup>۲۸</sup> دیوان بر این نظر بود که نسبت به کشوری که مخالف قیدکردن شرط کشور دیگری است تا جایی که شرط گنجانده شده با هدف (Object) و مقصود (Purpose) کنوانسیون همخوانی نداشته باشد آن کشور می‌تواند کشور واردکننده شرط را عضو کنوانسیون تلقی نکند. اما کشوری که شرط وارد شده توسط کشور دیگر را مخالف هدف و مقصود معاهده نمی‌داند می‌تواند گنجاننده شرط را عضو کنوانسیون تلقی نماید.

بر اساس بند ۲ ماده ۲۵ برای لازم الاجرا شدن، کنوانسیون زن باید به تصویب مقامات نیضالاح کشورها برسد. مطابق با حقوق بین‌الملل معاصر و ماده ۱۹ معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین، که ایران هنوز آن را تصویب نکرده است، اصولاً کشورها می‌توانند از حق شرط استفاده نمایند مگر اینکه: الف) خود معاهده اعمال هر گونه شرطی را ممنوع نموده باشد ب) خود معاهده اعمال شروط خاصی که شرط مورد نظر جزء آنها نیست را اجازه داده باشد و ج) در غیر موارد الف و ب، شرطی که قرار است گذاشته شود با هدف و مقصود معاهده ناسازگار باشد. این کنوانسیون با رعایت اصل حاکمیت کشورها در بند ۱ ماده ۲۸ مجوز استفاده از شرط را داده است ولی در بند ۲ همین ماده اعتبار هر گونه شرطی را منوط به منطبق بودن با هدف و منظور کنوانسیون ساخته است.



بنابراین چون منظور اصلی در حقوق بین الملل این است که تا جایی که ممکن است کشورها عضو معاهدات شوند این درست نیست که بخاطر یک شرط کم اهمیت باعث عدم عضویت کشوری شویم. اما هم محدودیت نسبت به گنجاننده شرط وجود دارد و هم نسبت به اعتراض کننده به آن شرط. شاید بتوان گفت یکی از علل آزاد نبودن دولتها در گنجانیدن مطلق شرط یا شروط، آنگونه که در کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات پیش‌بینی گردیده، تنظیم رابطه حقوقی معقول بین وارد کننده شرط که دامنه شمول معاهده را محدود می‌نماید با دولتهای عضو همان معاهده که از حق شرط استفاده نمی‌کنند باشد. البته باید یادآور شد که یکی از خصوصیهایی که کنوانسیون زن دارد این است که مانند بقیه کنوانسیونهای حقوق بشر اساساً از ویژگیهای متفاوت با معاهدات سنتی برخوردار است. معاهدات سنتی بیشتر ماهیت قراردادی دارند در حالی که در کنوانسیونهای حقوق بشری از جمله این کنوانسیون، موافقت کشورها برای پذیرش تعهد متقابل به نفع افراد ثالثی است که در قلمرو صلاحیت آنها قرار می‌گیرند. (مانند اتیاعشان)

لذا ایران می‌تواند با استفاده از این حق به کنوانسیون ملحق شود ولی از نظر ماهیت شرط یا شروط احتمالی آن نباید مخالف مقتضای ذات کنوانسیون باشد. به عبارت دیگر چون هدف و منظور از کنوانسیون عدم تبعیض بین زن و مرد است هرگونه قید و شرطی که منجر به تبعیض آنگونه که خود کنوانسیون آنها تعریف کرده گردد فاقد اثر حقوقی است. البته این نکته که اگر شرط مخالف هدف معاهده بود آیا شرط باطل است یا خود تصویب یا الحاق محل نزاع است. با توجه به ماده ۱۹ معاهده حقوق معاهدات و بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون زن به نظر می‌رسد فقط شرط باطل است.

دقت در شروط قید شده توسط کشورهای مسلمان نیز جالب است. اصولاً کشورهای مسلمانی که کنوانسیون را با حق شرط پذیرفته‌اند خط قرمز را "عدم مغایرت با شرع" ذکر کرده‌اند و لذا نسبت به مواد ۲ (عدم تبعیض)، ۱۰ (تابعیت)، ۱۵ (تساوی در برابر قانون) و ساده ۱۶ (نکاح و روابط خانوادگی) شرط وارد کرده‌اند. بنابراین گرچه جمهوری اسلامی می‌تواند استثنائاتی را بر دامنه شمول کنوانسیون وارد کند همانطور که بیش از یک سوم اعضاء فعلی کنوانسیون خصوصاً کشورهای مسلمان چنین کرده‌اند، ولی از دیدگاه حقوق بین الملل همانطور که اشاره شد این استثنائات نمی‌توانند با ماهیت کنوانسیون در تعارض

باشند البته نه در نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و نه در کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ صریحاً مشخص نشده است که چطور می‌توان مطابقت یا عدم مطابقت با هدف و موضوع معاهده را تعیین کرد و کدام مرجع می‌تواند عهده دار تشخیص و تبیین این موضوع باشد؟ اگر چه کمیته رفع تبعیض که بر اساس ماده ۱۷ کنوانسیون وظیفه نظارت بر اجرای کنوانسیون را بر عهده دارد در گزارشات متعدد خود از کثرت و گسترده‌گی شرطها در خصوص ماده ۲، ۳ و ۱۶ نارضایتی دارد و از دولتها می‌خواهد که شرطها را حذف کنند اما این مسئله فقط در حد توصیه است و جنبه الزامی ندارد. لذا تصور اینکه چگونه می‌توان شرطی گذاشت که با هدف کنوانسیون مغایرت نداشته باشد قابل تأمل است. با این حال به دلیل عدم ممنوعیت تا زمانی که اختلاف موضوع ماده ۲۹ کنوانسیون وجود نداشته باشد خود دولتها را باید مرجع تعیین تطابق دانست. در نتیجه چنانچه شروط ایران به‌طور خاص و جزئی‌تری طراحی گردد به نحوی که از حالت کلی "عدم مغایرت با موازین شرع" خارج گردد امکان پیوستن با شروط نیز وجود دارد.

در شرایطی که عدم الحاق به کنوانسیون نوعی موافقت با تبعیض علیه زنان محسوب می‌شود الحاق به این کنوانسیون به شرط تحفظ، باعث می‌شود که کشورها بر اساس آن قلمرو برخی از مقررات معاهده را نسبت به خود محدود کنند و ضمن اینکه منافع خودشان را تأمین می‌کنند یا نظام بین‌المللی هم‌آهنگی داشته باشند. این امر به معاهدات بین‌المللی نوعی حیات و پویایی می‌بخشد. ضمن اینکه عضویت در کنوانسیون این فرصت را به ایران می‌دهد از تریبون که بابت الحاق در کمیته رفع تبعیض، به آن داده می‌شود، بتواند حداکثر استفاده را برای جایگاه زن ایرانی بنماید. همچنین الحاق ایران فرصتی است تا به خواسته سال ۱۹۸۷ سازمان ملل که از کشورهای اسلامی درخواست معرفی حقوق زن در اسلام را نمود که البته هیچ اقدامی در این رابطه صورت نگرفت، پاسخ داده شود. بعلاوه، هر چند با تصویب یک معاهده و کنوانسیون وضعیت زنان یک کشور به طور معجزه آسایی تغییر نمی‌کند، طبق ماده ۱۸ کنوانسیون کشورهای عضو هر چهار سال یک بار موظف هستند گزارش پیشرفت وضعیت زنان کشورشان و اصلاحات انجام شده را در راستای اجرای مفاد این کنوانسیون به کمیته رفع تبعیض ارائه دهند، الحاق به کنوانسیون این نتیجه را به

دنبال دارد که به دلیل ضرورت گزارش، موضوع زنان در اولویت سیاستها و برنامه‌های کلان کشور قرار گیرد و تغییرات حقوقی به نفع آنان انجام شود.

موافقت با معاهده‌ی محور تبعیض با تحفظ به این معناست که ایران معاهده را در کلیت خود مغایر با آموزه‌های دینی نمی‌داند، چه در غیر اینصورت تحفظ به معنای مخالفت با اصل معاهده است و طبق ماده ۲۸ حق تحفظ‌هایی که با روح کنوانسیون منافات داشته باشد پذیرفته نمی‌شود.

در پایان این قسمت ذکر دو نکته را لازم میدانم. نکته اول اینکه حتی با استفاده از حق شرط با توجه به اینکه ایران قبلاً هیچگونه شرطی را در پذیرش میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قید ننموده است از آن طریق متعهد به اجرای تعهدات خود در این زمینه است. مثلاً ماده ۳ هر دو میثاق با عبارات مشابه تصریح می‌نمایند که دولتهای عضو متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیش‌بینی شده در میثاق تأمین کنند. همچنین در کسب‌یون حقوق بشر بحث الحاق ایران به کنوانسیون مطرح بوده و استناد نماینده ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق بشر نیز بر همین مسئله است. و بالاخره الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی نیز یکی از مؤلفه‌های همین کنوانسیون است.

نکته پایانی اینکه در صورتی که عضو صریحاً بر خلاف بند یک ماده ۲۹ اعلامیه‌ای ندهد، حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر این معاهده ابتدائاً از طریق مذاکره سپس داوری و نهایتاً توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق اساسنامه آن دیوان صورت می‌گیرد. بنابراین اگر اختلافی در مورد تفسیر و درک ماده ۲۸ کنوانسیون در خصوص حق شرط یا دامنه شمول و اعتبار هر یک از شروط کشورهای عضو پیش آید در این صورت راه حل اساسی درخواست صدور رأی از دیوان است. تاکنون هیچ مورد تفسیری در این خصوص به دیوان ارجاع نشده است.

حقوق بین الملل معاصر حقوق بشر را پدیده‌ای فرا ملی می‌داند اما به هیچ وجه در صدد آن نیست که اثبات کند هیچ‌گونه تفاوتی بین زن و مرد نیست و یا تلاش نمی‌کند تفاوت‌های ذاتی، فیزیکی و فرهنگی بین این دو جنس را حذف کند. حقوق بین الملل تفاوت‌های بنیادین فرهنگی و ارزش‌ها را به رسمیت می‌شناسد ولی دیدگاه حقوق بین الملل دیدگاهی بی‌طرفانه نسبت به جنس است. لذا نظریه افراطی که بر این باور است که "طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است، زن را می‌آفریند" و اینکه "زنان از روی طبیعت محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند" را مردود می‌داند هر چند از طرف فیلسوفان بزرگی چون ارسطو بیان گردد.<sup>۹</sup>

آن‌گونه که رویه بین‌المللی دولتها نشان می‌دهد امروزه دوره‌ی حمایتی از حقوق زن تقریباً پایان یافته به این معنی که زنان بخاطر جنس از انجام کارها و فعالیت‌های خاصی ممنوع نمی‌باشند. در مورد «دوره اصلاحی» هنوز مواردی از این نوع اسناد بین‌المللی، گرچه به ندرت، دیده می‌شوند. کنوانسیون ۱۹۷۹ شکل توسعه یافته فعالیت‌های گذشته بشری است که می‌تواند به اقدامات ملی و بین‌المللی برای بهتر شدن موقعیت زنان در جهان کمک کند. کنوانسیون به زن صرفاً به عنوان همسر، مادر و جنس دوم نگاه نمی‌کند بلکه حقوق متعدد دیگر زن در خانه، محل کار و در اجتماع را مورد تأیید قرار می‌دهد. کنوانسیون نقش‌های مختلفی را برای زن و مرد هر دو در نظر می‌گیرد. بر خلاف نگرش بسیاری چون ملک الشعراء بهار که «ای که اصلاح کار زن خواهی بی سبب عمر خویشتن گاهی» به نظر نگارنده «بزر حقوق بشر در هر خاکی که کاشته شود، اگر از محافظت و تغذیه‌ی مناسب بهره‌مند گردد، سر انجام با غلبه بر بادهای مخالف جوانه می‌زند. اندیشه‌های آزادیبخش، راه خویش را در ذهن آدمیان - با پشت سر گذاردن هر مانعی که با آن روبه رو شوند - به آهستگی اما به استواری می‌گشایند.»<sup>۱۰</sup> یقیناً به قول پروین اعتصامی:

به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت  
برای مرد کمال و برای زن نقصان

بر اساس اعلامیه بین و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ حقوق بشر زنان و دختر بچه‌ها غیر قابل انکار بوده، قسمت لاینفک و غیر قابل تجزیه حقوق بشر جهانی است. شرکت برابر و کامل زنان در زندگی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی و ریشه‌کن کردن تمام شکل‌های تبعیض جنسی از اهداف حق تقدم دار جامعه بین‌المللی است.<sup>۱۱</sup>

روزانه تعداد زیادی از جمعیت جهان صرفاً به خاطر زن بودن هدف شکنجه، گرسنگی، حقارت و حتی قربانی قتل قرار می‌گیرند. علی‌رغم این امر و علی‌رغم پیشرفت‌های نسبتاً خوب در سایر زمینه‌های مربوط به حقوق بشر، در جهت جلوگیری از سوء استفاده از حقوق زنان متأسفانه کمتر توجه شده است. کمتر کشوری در برقراری ارتباط با سایر کشورها به سابقه رفتار طرف مقابل در مورد برخورد با زنان توجه می‌کند. کمتر سازمان غیر دولتی به‌طور خاص در جهت حقوق زنان تلاش خود را متمرکز کرده است. آمار منتشره از طرف سازمان‌های حقوق بشری مثل عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که قبل از تولد، در دوران کودکی و بلوغ، جنس مؤنث چندین برابر بیشتر از مردان قربانی نقض حقوق بنیادین قرار می‌گیرد. زنان هدف انواع مختلف نقض حقوق مانند زنا، ضرب و جرح سیستماتیک، کار و ازدواج اجباری، خشونت، شکنجه و حتی مرگ به خاطر قبضه کردن جهیزیه آنها قرار می‌گیرند.

جامعه حقوق بشری باید از چهارچوبی که نرهای آنها توسط جنس مذکر تعیین گردیده خارج شده بتواند پاسخگوی خشونت بی‌رحمانه و سیستماتیک علیه زنان در جهان باشد. حقوق زن باید جزو لاینفک حقوق بشر محسوب گردد و نه جدای از آن.

در شرایط فعلی آنچه جامعه بین‌المللی آشکارترین نقض‌های حقوق بشر در ایران میدانند عبارت است از اینکه زنان نصف مردان ارزش دارند زیرا شهادت آنها در دادگاه و سهم آنان از ارث و خونهای آنان (دیه) در صورت به قتل رسیدن نصف مردان است. اگر با خارجی بخواهند ازدواج کنند بدون اجازه وزارت خارجه نمی‌توانند و در صورت عدم کسب مجوز ازدواج آنان قانونی تلقی نمی‌شود. فقط با داشتن اجازه از شوهر، زن ایرانی می‌تواند به خارج از کشور مسافرت کند. فقط مرد می‌تواند چند زن دائمی داشته باشد و هیچ محدودیتی برای او از نظر تعداد غیر دائم وجود ندارد. زن است که اگر در برابر خواسته‌های جنسی مرد تمکین نکند محروم از غذا، مسکن و لباس می‌شود. فقط مرد حق دارد اگر ببیند زنش با اجنبی هم بستر شده است او را بقتل برساند. به‌طور کلی، مگر توافق خلاف صورت گیرد، مطلق حق انحصاری مرد است. حق حضانت در صورتی با زن است



که پدر یا جد پدری نباشد، در صورتی که پدر فوت کند دختر تا ۷ سالگی و پسر تا دو سالگی حضانتشان با مادر است.

دیدگاهی نو از اسلام دینی که مشحون از آیاتی است که نابرابری را در همه اشکال مذموم می‌داند نیاز است تا بجای انفعالی عمل نمودن، ایران نقش فعالی را در همه زمینه‌های حقوقی بین‌المللی انجام دهد. اسلامی که دین عطف و مهربانی است نباید به گونه‌ای معرفی گردد که تبعیض را در خود نهادینه کرده است. بسیاری از اموری که اکنون علیه ایران به آن استناد می‌شود و در ایران انجام آنها را نقض اسلام تلقی می‌کنند الزاماً نقض اسلام نبوده بلکه ممکن است با بعضی از دیدگاه‌ها نسبت به اسلام همخوانی نداشته باشد.

ایران باید بصورت جدی تکلیف خود را نسبت به بسیاری از معاهدات بین‌المللی از جمله این کنوانسیون مشخص نماید. "ایران با شرکت خود در تهیه پیش نویس بسیاری از اسناد حقوق بشر نشان داده است که مایل به داشتن نقش فعال در این خصوص می‌باشد. مثلاً شرکت ایران در کنفرانس جمعیت قاره در سال ۱۹۹۴، مشارکت آن در کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳ وین حاکی از خروج از حرکت‌های انفعالی کشور است. در حالی که تعدادی از کشورهای مسلمان کنفرانس قاره را به دلیل غیر اسلامی بودن تحریم نمودند ایران به منظور "وارد نمودن قواعد و اخلاق مذهبی در سنه نهایی کنفرانس" در آن حضور قوی داشت.

برابری در قانون و زندگی واقعی یکی از ستونهای اصلی دموکراسی در هر جامعه است. متأسفانه تقریباً در تمام جوامع یا نابرابری در قانون و یا در واقعیت و یا هر دو دیده می‌شود. اگر ایران معتقد است در عمل نابرابری زن و مرد وجود ندارد در قوانین هم این امر را باید محو نماید. گرچه هیچکس نمی‌تواند مدعی شود کشوری وجود دارد که در آن نقض حقوق زنان نمی‌شود ولی کمتر کشوری را می‌شود یافت که صریحاً در قوانین خود تبعیض و نابرابری را نهادینه کرده باشد.

واقعیت این است که همانطور که حقوق بشر را دیگر نمی‌توان در مرزهای بسته محدود نمود، بین استانداردهای حقوق بشر ملی و بین‌المللی هم دیگر به سختی می‌توان خط تفکیک ترسیم نمود. این به این معناست که حقوق زن حقوق بشر تلقی شده و حقوق بین‌الملل

مردن دیدگاه کلاسیکی که در آن فقط دولت‌ها موضوع حقوق بین الملل محسوب می‌گردند و اینکه یک دولت در برابر اتباع دولت دیگر و نه اتباع خود ممکن است مسؤولیت بین‌المللی داشته باشد را قویاً رد می‌کند. مفهوم اصل حاکمیت دولت دستخوش تحولات زیادی قرار گرفته است. بنابراین، این نظر که فرهنگ و مذهب و به‌طور کلی حقوق داخلی و به‌عبارت دیگر نسبی‌نگری اجازه تبعیض از حقوق بین الملل که دیدگاهی جهانشمول دارد<sup>۲۲</sup> را نمی‌دهد امروزه با مشکل مواجه است. بدون شک حاکمیت هر دولتی اگر خود راه حل اجرای قوانین بین‌المللی را بیابد بهتر حفظ می‌شود تا اینکه بر خلاف اراده انفرادی آن دولت به مرور زمان بر آن تحمیل گردد. حقوق بین الملل ضمن به رسمیت شناختن جهانشمولی تا جایی که نسبی‌گرایی نظام یک کشور با جهانشمولی همخوانی داشته باشد آن را به رسمیت می‌شناسد. در حالی که هر دو دیدگاه موصوف دارای امتیازات مخصوص به خود هستند هیچ‌یک به تنهایی موجب توسعه حقوق زن در ایران نیست. جهان‌گرایی بدون رعایت تعدد فرهنگی و نسبی‌گرایی با قطع ارتباط از جهانشمولی هر دو ناموفق خواهند بود.

### پینوشته‌ها

۱- برای اطلاع از اقدامات سازمان ملل متحد در خصوص حقوق زنان، یک پایگاه اینترنتی کمیساریای عالی حقوق بشر را در

<http://www.unhchr.ch/women/>

۲- جهت آشنایی با مهمترین اسناد بین المللی حقوق بشر به‌طور عام و حقوق زن به‌طور خاص ن.ک دکتر حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷ و Alfredson G. et al., (eds) A Thematic Guide to Documents on the Human Rights of Women, Martinus Nijhoff Publishers, The Hague, 1995. یا توجه به اهمیت رعایت حقوق بشر زنان در برقراری صلح و امنیت بین‌المللی تعداد قابل ملاحظه‌ای قطعنامه توسط شورای امنیت در این خصوص تا کنون صادر گردیده است. به‌عنوان مثال ن.ک قطعنامه‌های ۱۲۶۱ مورخ ۲۵ آگوست ۱۹۹۹؛ ۱۲۶۵ مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۹؛ ۱۲۹۶ مورخ ۱۹ آوریل ۲۰۰۰؛ ۱۳۱۴ مورخ ۱۱ آگوست ۲۰۰۰ و ۱۳۲۵ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰. همچنین حقوق زنان موضوع بسیاری از دعاوی نزد

دادگاه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. جهت اطلاع از مهمترین این دعاری ن.ک سایت اینترنتی دانشگاه Toronto در کانادا را

<http://www.law-lib.utoronto.ca/diana/cases.htm>

۳- برای اطلاع از متن اعلامیه تهران ن.ک احمد متین‌دفتری، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن، چاپخانه بهمن، تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۷۱ تا ۲۷۴.

4- United Nations Convention on Elimination of all Forms of Discrimination Against Women (CEDAW).

۵- کمیسیون مقام زن (Commission on the Status of Women) یکی از اولین

نهادهایی است که توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در ۱۹۴۶ بوجود آمد. کار این کمیسیون نظارت بر وضعیت زنان و ترویج حقوق آنان در سرتاسر دنیاست. در این زمینه به سازمان ملل توصیه‌های لازم و گزارش خواهد داد. به دنبال تلاش‌های گسترده این کمیسیون، کنوانسیون در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ و طی قطعنامه ۱۸۰/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب و در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ به استناد بند ۱ ماده ۲۷ لازم الاجرا گردیده است. جهت اطلاع از متن معاهده ن.ک هوشنگ ناصر زاده، اعلامیه‌های حقوق بشر مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد) تهران، ۱۳۷۲، ص. ۶۲ تا ۷۴.

۶- این سند اعلامیه لغو خشونت علیه زنان نامیده می‌شود. بر اساس این اعلامیه هر گونه خشونت بر علیه زنان که منجر به صدمه فیزیکی و جنسی (Sexual) و زجر کشیدن آنان و حتی تهدید به چنین اعمالی چه در منظر عام و چه خصوصی منع گردیده است. ماده دو این اعلامیه لیستی از این نوع خشونت‌ها را ارائه می‌دهد. ماده سه زن را محق برخورداری برابر کلیه حقوق و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و مدنی می‌داند.

۷- برای آگاهی از دیدگاه‌های فمینیستی در حقوق بین‌الملل ن.ک به‌عنوان مثال Charlesworth H.C. Chinkin et al., "Feminist Approaches to International Law", (1991) 83 AJIL 613-818.

۸- جهت اطلاع کلی از وضعیت زنان در هند ن.ک به‌عنوان مثال زهرا رهنورد، سفر به دیار زنان بت، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۶.

۹- برای آگاهی از وضعیت حقوق زنان در قسمت‌های مختلف جهان ن.ک به‌عنوان مثال

Cook R. J. (ed.), *Human Rights of Women: National and International Perspectives*, University of Pennsylvania Press, Philadelphia, 1994, Kerr J. (ed.) *Ours by Right: Women's Rights As Human Rights*, Zed Book, Ltd., London, 1993 and Julie Peters et al, *Women's Rights Human Rights: International Feminist Perspectives*, Routledge, Inc., 1995.

در خصوص ایران ن.ک به عنوان مثال، جمیله کدیور، زن، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵  
ص ۱۳۰ به بعد.

۱۰- ن.ک پیام نامبرده به "همایش حقوق بین‌الملل بشر" که در تاریخ ۲۹ الی ۳۰ اردیبهشت  
ماه ۱۳۸۱ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران برگزار گردید.

۱۱- جهت مطالعه تحولات حقوق زن از زمان اعلامیه ۱۷۹۱ حقوق زن تا کنفرانس تاریخی  
۱۹۹۵ پکن ن.ک

Lockwood C. E. et al, (eds.) *The International Human Rights of Women: Instruments of Change*, American Bar Association, USA, 1998.

۱۲- به‌طور مثال کنوانسیون مربوط به کار در شب زنان شاغل در صنعت که در سالهای  
۱۹۳۴ و ۱۹۴۸ توسط کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار (ILO) طراحی گردید،  
این دیدگاه را پذیرفته است. جهت اطلاع از متن آن ن.ک سری معاهدات سازمان  
ملل (United Nations Treaty Series) را در *63 UNTS 40* همچنین ن.ک  
کنوانسیون مربوط به اشتغال زنان در مورد کار در زیرزمین در انواع مختلف معادن  
تهیه شده توسط همان کنفرانس در ۲۲ جولای ۱۹۴۶ را در *81 UNTS 321*

۱۳- به‌طور مثال ن.ک کنوانسیون ۱۹۵۷ در مورد تابعیت زنان متأهل را که در تاریخ ۱۱  
آگوست ۱۹۵۸ لازم‌الاجرا گردیده است در *UNTS 65 309*. کنوانسیون ۱۹۵۲  
مربوط به حمایت از زایمان را در *214 UNTS 321* و معاهده‌ی ۱۹۵۲ حقوق سیاسی  
زن که در ۷ ژوئیه ۱۹۵۴ به اجرا درآمد در *193 UNTS 135*

۱۴- منظور میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که  
هر دو در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسیده و ایران عضو آنها است می‌باشد. این دو میثاق  
از سال ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا گردیده‌اند.

۱۵- تبعیض از نظر کنوانسیون عبارت است از هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت مبتنی  
بر جنس که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادیهای اساسی آنها و

بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرفنظر از وضعیت ناهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها، اثر مخرب دارد یا اصولاً هدفش از بین بردن این وضعیت است.

16- Committee on the Elimination of Discrimination Against Women.  
 ۱۷- کمیته موصوف در سال ۱۹۸۲ تشکیل و مرکب از ۲۳ کارشناس از کشورهای مختلف جهان است. وظیفه اصلی کمیته نظارت بر اجرای کنوانسیون ۱۹۷۹ در کشورهای عضو این کنوانسیون که متعهد به مبارزه با تبعیض علیه زن هستند می‌باشد. کمیته سالانه دو جلسه داشته که گزارشهای ملی اعضاء را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین این کمیته می‌تواند در مورد مسائلی که زنان را متأثر می‌کند به دولت‌های عضو توصیه‌های لازم را بنماید. کشورهای عضو کنوانسیون موظفند هر چهارسال یک گزارش به کمیته ارائه دهند. دوازدهمین اجلاسیه کشورهای عضو کنوانسیون در مقر سازمان ملل متحد در ۲۹ آگوست ۲۰۰۲ برگزار گردید که یکی از برنامه‌های آن انتخاب اعضای کمیته ماده ۱۷ بوده است.

۱۸- ن.ک

Human Rights: Discrimination against Women: The Convention and the Committee, Fact Sheet No. 22

که از طرف کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به چاپ رسیده است.

۱۹- ن.ک متن پروتکل خصوصاً ماده ۲ آن را در

[http://www.unhchr.ch/html/menu3/b/opt\\_cedaw.htm](http://www.unhchr.ch/html/menu3/b/opt_cedaw.htm)

۲۰- ن.ک شیرین عبادی، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، انتشارات روشنگران، تهران، ۱۳۷۲ و دکتر حسین مهرپور، مباحثی از حقوق زن، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۹.

۲۱- به‌عنوان مثال درباره حیات حقوقی زنان در امپراطوری ساسانی ن.ک: پروفیسور کریستیان بارتمه، زن در حقوق ساسانی، ترجمه دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی، نگاه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۳۷، ص ۱۲ به بعد.



۲۲- ن.ک دکتر حسین مهرپور، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴، ص. ۲۳۸-۲۱۳ و مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۰.

۲۳- در قرآن کریم آیات متعددی بر تساوی خلقت زن و مرد، وحدت نوع و برابری در سلاک ارزشمندی آنها وجود دارد. به‌عنوان مثال ن.ک آیه ۱۳ سوره حجرات، آیه ۱ سوره نساء و آیه ۷۱ سوره توبه را. با توجه به کلی بودن مقرر اسلامی حداقل دو دیدگاه متقابل هم اکنون بین فقها و اندیشمندان اسلامی در کشور وجود دارد: اول دیدگاهی که گرچه به زن به‌عنوان یک انسان مشابه و معادل مرد نمی‌نگرد ولی او را برابر و مساوی مرد میداند و دوم دیدگاهی است که به زن به‌عنوان جنس دوم نگاه می‌کند. جهت مطالعه این دو دیدگاه ن.ک به‌عنوان مثال جمیله کدیور، زن، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵.

۲۴- در مورد سن ازدواج هیچک از کنوانسیونهای بین‌المللی به‌طور آشکار آن را تصریح نکرده‌اند ولی یونیسف و صندوق جمعیت سازمان ملل حداقل سن ۱۸ سال را پیشنهاد نموده‌اند. این در حالی است که اخیراً با پیشرفت‌های حاصل شده ایران سن ۱۳ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر را پذیرفته است.

۲۵- ن.ک روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۵۳۰۹ و همشهری- ۸۱/۲/۸ شماره ۲۷۰۷.

۲۶- ن.ک روزنامه همشهری- ۸۱/۲/۸ شماره ۲۷۰۷.

۲۷- مثلاً آیت ا. . . فاضل لنگرانی اظهار داشته است: «الحاق ایران به معاهده مذکور که متضمن خلاف شرع بین است جایز نیست.» آیت ا. . . ناصر مکارم شیرازی نیز گفته است: «این معاهده خلاف تعلیمات اسلام است و بنیان خانواده‌ها را متزلزل می‌کند.» آیت ا. . . میرزا جواد تبریزی نیز هر قانون و قرارداد مخالف شرع اسلام را بی‌اعتبار دانسته و اطاعت از آن را جایز ندانسته است. آیت ا. . . مشکینی، رئیس مجلس خبرگان رهبری، نیز در دیدار با رئیس و مدیران کل بنیاد شهید، کنوانسیون را یکی از توطئه‌های دشمنان دانسته و گفته‌اند: «دشمنان قصد دارند با دسیسه‌های مختلف اسلام را از این مردم بگیرند. همه باید برای این‌که بتوانیم در مقابل توطئه‌های گوناگون دشمنان ایستادگی کنیم لحظه‌ای دست از رهبر معظم انقلاب اسلامی و سراج عظام برنداریم.»

28- Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide(1950-1951), Advisory Opinion of 28 May 1951.

۲۸- ن.ک ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۱، ص. ۱۴۸.

۲۹- فدریکو مایور، مدیر کل یونسکو، در گلن جانسون، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و تاریخچه‌ی آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، نشر نی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۸، ص. ۱۰.

۳۰- ن.ک:

Human Rights: Discrimination Against Women: the Convention and the Committee, Sheet No. 22 Fact

۳۱- فدریکو مایور، منبع قبل، ص ۱۰.

۳۲- کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، موافقتنامه مراکش در خصوص تشکیل سازمان تجارت جهانی (WTO) و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری از مهمترین اسنادی است که نسبت به این کشور وضع مشابهی با کنوانسیون ۱۹۷۹ دارند.

### منابع و مآخذ

۱- بارتمه، کریستیان. (۱۳۳۷). زن در حقوق ساسانی. ترجمه دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی، تهران، بنگاه مطبوعاتی عطانی.

۲- جانسون، گلن. (۱۳۷۸). اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نشر نی، چاپ چهارم.

۳- دورانت، ویل. (۱۳۷۱). لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

۴- رهنورد، زهرا. (۱۳۶۶). سفر به دیار زنان بت، تهران، انتشارات سروش.

۵- عیادی، شیرین. (۱۳۷۲). تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، تهران، انتشارات روشنگران.

۶- کدیور، جمیله. (۱۳۷۵). زن، تهران، انتشارات اطلاعات.

۷- متین دفتری، احمد. (۱۳۴۸). حقوق بشر و حمایت بین المللی از آن، تهران، چاپخانه بهمن.

۸- مهرپور، حسین. (۱۳۷۷). نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات.

۹- مهرپور، حسین. (۱۳۷۹). مباحثی از حقوق زن، تهران، انتشارات اطلاعات.

۱۰- مهرپور، حسین. (۱۳۷۴). حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.

۱۱- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پانزده، ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲). اعلامیه های حقوق بشر تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).

12- Abdullahi. Ahmed An-Naim. (1990), "Problems of Universal Cultural Legitimacy for Human Rights", in Human Rights in Africa: Cross-Cultural Perspectives.

13- Alfredson G. et al., (eds). (1995), A Thematic Guide to Documents on the Human Rights of Women, The Hague, Martinus Nijhoff Publishers.

14- Charlesworth H.C. Chinkin et al., (1991). "Feminist Approaches to International Law". 83 American Journal of International Law 613-818.

15- Cook R. J. (ed.). (1994). Human Rights of Women: National and International Perspectives, Philadelphia, University of Pennsylvania Press.

16- Human Rights: Discrimination Against Women: the Convention and the Committee. .Sheet No. 22 Fact.

17- <http://www.law-lib.utoronto.ca/diana/cases.htm> viewed on Nov. 2002.

18- <http://www.unhchr.ch/women/> viewed on Nov. 2002.

19- Julie Peters et al. (1995). Women's Rights Human Rights: International Feminist Perspectives, Routledge, Inc.

20- Kerr J. (ed.). (1993). Ours by Right: Women's Rights As Human Rights, London, Zed Book, Ltd.

21- Lockwood C. E. et al., (eds.). (1998). The International Human Rights of Women: Instruments of Change, USA. American Bar Association.

22- Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide(1950-1951), ICJ Reports, Advisory Opinion of 28 May 1951.

23- 40United Nations Treaty Series(UNTS) 63.

24- n 81 UNTS 321

25- 193 UNTS 135

26- 214 UNTS 321

27- 309 UNTS 65

28- United Nations Convention on Elimination of all Forms of Discrimination Against Women (CEDAW).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 مرکز تحقیقات حقوقی و قانونی  
 مرکز ملی حقوق بشر